

باسمه تعالی

- ۲ **مقدمه واجب**
- ۲ **واجب نفسی و غیره**
- ۲ **حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث**
- ۲ جواب حلی دوم: معنون به عنوان حسن بودن طهارات ثلاث
- ۳ اشکال اول مرحوم آخوند: اخص از مدعا بودن جواب حلی دوم و رد آن
- ۳ اشکال دوم مرحوم آخوند: قربی نشدن طهارات ثلاث به صرف اتصاف آنها به عنوان حسن
- ۴ اشکال نفی مرحوم شیخ به جواب حلی دوم
- ۴ جواب حلی سوم: معنای تعبدیت طهارات ثلاث، امثال آنها به قصد توصل به ذی المقدمه
- ۵ فرق قصد امر غیره در طهارات ثلاث و سائر مقدمات
- ۵ فرق بین جواب حلی دوم و سوم
- ۵ اشکال مرحوم آخوند: اخص از مدعا بودن
- ۵ رجوع جواب حلی سوم به جواب حلی دوم

موضوع: حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث / واجب نفسی و غیره / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بود. برای حل این مشکل جوابهایی بیان شده است. بیان اول استحباب نفسی داشتن طهارات ثلاث بود و مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه به دو جواب حلی که مرحوم شیخ آنها را مطرح کرده است، پراخته می شود.

مقدمه واجب

واجب نفسی و غیره

حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث

جواب حلی دوم: عنوان حسن داشتن طهارات ثلاث

مرحوم شیخ این جواب را ذکر و بررسی کرده‌اند.^۱ مدعی می‌گویند: امر غیره مقربیت نمی‌آورد و تقرب به خاطر امر غیره نیست. تقریباً این مطلب مفروغ عنه است که امر غیره تقرب آور نیست؛ بلکه مقربیت طهارات ثلاث به یک عنوان حسنی است که بر این طهارات ثلاث منطبق است و با قصد امر غیره، آن عنوان حسن را قصد می‌کنیم. یعنی قصد امر غیره مرآت اجمالی به عنوان حسن است.

سوال این است که عنوان حسن از کجا آمده است؟ شیخ در جواب فرموده است: ما می‌بینیم طهارات ثلاث به حسب ظاهر مقدماتی برای نماز ندارند و مانند نصب سلم نیست که رابطه نصب سلم با صعود معلوم باشد. طهارات ثلاث یک سری افعال هستند و نماز هم یک سری افعال دیگری هستند که رابطه مقدماتیت بین آن‌ها نیست؛ پس چون به حسب ظاهر، نماز بر طهارات ثلاث متوقف نیست؛ باید در واقع یک عنوان حسنی بر این افعال مترتب باشد که آن عنوان حسن موقوف علیه است و ما نمی‌دانیم آن عنوان حسن چیست.

پس موقوف علیه، ذات حرکات و سکانات (ذات غسالات و مسحات) نیست؛ بلکه موقوف علیه یک عنوان حسنی است که بر حرکات و سکانات منطبق می‌شود. لذا ما باید عنوان حسن را قصد کنیم تا مقدماتیت محقق بشود و چون عنوان حسن را نمی‌دانیم با مرآت اجمالی آن را قصد می‌کنیم؛ یعنی به وسیله امر غیره همان وضویی که عنوان حسن دارد قصد می‌شود.

این راه حل، عبادیت را با عنوان حسن درست می‌کند و عنوان حسن را از این راه کشف کرده است که معنا ندارد خود این حرکات و سکانات مقدماتیت داشته باشند؛ پس لازم است این طهارات قربی اتیان شود تا مقدماتیت محقق بشود، نه این که چون امر غیره دارد، مقدماتیت پیدا کرده است؛ لذا مقربیت از ناحیه امر غیره پیدا نشده است.

^۱ مطارج الانظار ج ۱ ص ۳۵۱

اشکال اول مرحوم آخوند: اخص از مدعا بودن جواب حلی دوم و رد آن

اشکال اولی که مرحوم آخوند بیان می‌کند این است که جواب حلی دوم ترتب ثواب بر طهارات ثلاث را درست نمی‌کند.

به نظر ما این اشکال وارد نیست؛ زیرا:

اولاً: اگر دقت کرده باشید، اشکال عمده مرحوم شیخ انصاری مقربیت است. مرحوم شیخ اسم آن را عویصه گذاشته است.

اشکال عمده این است که امر غیره تقرب آورد نیست؛ پس چرا باید به صورت عبادی اتیان شود؟ اما بحث ثواب اشکال

عمده مرحوم شیخ نیست. پس به نظر ایشان دلیل اخص از مدعا نیست.

بله؛ مرحوم آخوند می‌تواند بگوید ما دو مشکله داریم و این جواب نمی‌تواند هر دو مشکل را حل کند. ما کاری نداریم که چه

کسی این اشکال را گفته است تا نسبت به او سنجیده شود؛ بلکه بحث کلی است.

ثانیاً: اگر بنا باشد که مقربیت درست بشود، ثواب هم درست می‌شود؛ زیرا مرحوم آخوند فرمود: عقوبت و ثبوت از تبعات بعد

و قرب است.

اشکال دوم مرحوم آخوند: قربی نشدن طهارات ثلاث به صرف اتصاف آنها به عنوان حسن

در یک تقسیمی ما دو نوع قصد فعل داریم:

۱- یک قصد فعل متصفا به یک وصفی داریم.

۲- یک قصد فعل به داعی یک غایتی داریم.

فعل اگر بخواهد قربی بشود، باید به داعی غایت قربی اتیان شود. اگر گفته شود: نماز می‌خوانم چون خدا فرموده است (علت

غایی) قربی است؛ اما اگر گفته شود: همان نمازی که خداوند دستور داده است را به داعی تشویق دیگران انجام می‌دهم، قربی

نیست؛ زیرا توصیف کردن موجب قربی شدن عمل نمی‌شود. باید محرک عبد، خداوند باشد تا قربی بشود.

مرحوم آخوند فرموده است: اگر جواب درست باشد، نتیجه‌اش این نیست که عنوان حسن داعی است. عنوان حسن داشتن

ملازمه ای با داعی قرار گرفتن ندارد. این که امر به غسلات و مسحات حسن، دستور داده است، معنایش این نیست که به داعی

خدا آن را انجام بدهد. نهایت این راه حل این است با امر غیره اشاره به مسحات و غسلاتی می‌کند که عنوان حسن دارند و

مطلوب مولا است و معنای این ادعا، علت غایی قرار گرفتن مسحات و غسلات نیست؛ بر خلاف راه حل اول که امر نفسی

بود و داعویت در آن نهفته است.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۱.

به عبارت دیگر، غسلات و مسحات باید با یک عنوان حسنی مقدمیت داشته باشند و عنوان حسن را نمی‌دانیم و امر غیره مشیر به آن عنوان حسن است، پس ما امر غیره را قصد می‌کنیم نه برای این که آن را تعبدی کند؛ بلکه برای این که مشیر به عنوان حسن باشد آن را اتیان می‌کند. امر غیره عنوان حسن را داعی قرار نمی‌دهد؛ بلکه به همان چیزی که هست اشاره می‌کند. قبل از اشاره فقط اتصاف بود و امر غیره هم به همان اتصاف اشاره می‌کند.

نتیجه: این راه حل فقط اتصاف را درست می‌کند و امر غیره نیز اشاره به اتصاف است و اتصاف هم موجب قربیت نمی‌شود.

اشکال نفی مرحوم شیخ به جواب حلی دوم

مرحوم شیخ می‌فرماید: مقدمات دیگری ما داریم که ارتباطشان با ذی المقدمه معلوم نیست و در عین حال تعبدی نیستند؛ مثلاً استقبال بنا بر این که شرط باشد و یا ستر عورت. چه ارتباطی بین ستر عورت و نماز وجود دارد؟ با خدا گفتگو کردن ربطی به ستر و عدم ستر ندارد و بنا بر جواب حلی دوم باید گفت که ستر عورت هم عبادی است. لذا جواب حلی دوم منقوض به یک سری مقدمات است که ربط آن‌ها را با ذی المقدمه نمی‌فهمیم و قریبی هم نیستند.

جواب حلی سوم: تعبدیت طهارات ثلاث به معنای امتثال آنها به قصد توصل به ذی المقدمه

مرحوم شیخ انصاری فرموده است: دلیل این که در طهارات ثلاث باید قصد قربت بشود، این است که غرض از ذی المقدمه این است که باید قریبی اتیان شود. اساساً فرق بین تعبدی و توصلی همین است که در تعبدی با قصد قربت، غرض حاصل می‌شود. همان طوری که غرض در امر نفسی به ذی المقدمه با قصد قربت حاصل می‌شود، همچنین طهارات ثلاث که مقدمه چنین عمل مصلحت داری است، باید با قصد قربت اتیان شود تا غرض حاصل شود. معنای قصد قربت در طهارات ثلاث این است که به قصد امتثال ذی المقدمه اتیان شوند و معنای قصد امر غیره نیز همین است؛ یعنی به خاطر این که ذی المقدمه امتثال شود، طهارات ثلاث اتیان می‌شوند؛ پس تعبدیت به خاطر امر غیره نیست؛ بلکه به خاطر این است که اتیان طهارات ثلاث به خاطر تحقق ذی المقدمه است.

^۱ مطارح الانظار ج ۱ ص ۳۵۱

^۲ مطارح الانظار ج ۱ ص ۳۵۱

فرق قصد امر غیره در طهارات ثلاث و سائر مقدمات

اگر مکلف این عمل را به خاطر امر غیره اتیان می‌کند، معنایش این است که برای امتثال ذی المقدمه اتیان می‌شود. در سائر موارد معنای امر غیره این است که هر چند قصد توصل به ذی المقدمه نشود، امر به ذی المقدمه ساقط می‌شود؛ اما در طهارات ثلاث اگر به قصد توصل به ذی المقدمه اتیان نشود، امر به ذی المقدمه ساقط نمی‌شود.

فرق بین جواب حلی دوم و سوم

در جواب حلی سوم غرض در ذی المقدمه است و حاصل نمی‌شود مگر به قصد توصل به ذی المقدمه. یعنی خود امر غیره قرب آور نیست، اما چون همراه به قصد توصل به ذی المقدمه است، باعث قربیت آن می‌شود. حال چرا باید در مقدمه چنین قصدی باشد؟ مرحوم شیخ می‌گوید: غرض از ذی المقدمه یک نوع غرضی است که بدون چنین قصدی حاصل نمی‌شود؛ پس همان طوری که امر نفسی به ذی المقدمه می‌گوید اجزاء را به قصد حصول غرض اتیان کن، همچنین می‌گوید: مقدمه را هم اتیان کن به قصد حصول غرض از ذی المقدمه. در جواب حلی دوم، امر غیره اشاره به عنوان حسنی بود که در غسلات و مسحات بود.

اشکال مرحوم آخوند: اخص از مدعا بودن

مرحوم آخوند اشکال وصف و داعی را در جواب حلی سوم مطرح نکرده است؛ زیرا واضح است که قصد امر داعی است. اگر مقدمه به قصد توصل به ذی المقدمه اتیان می‌شود؛ معنایش داعویت (داعویت به امتثال امر نفسی) داشتن است؛ ولی اشکال ترتب ثواب را مطرح کرده است.

به نظر ما ترتب ثواب هم حل می‌شود؛ زیرا به لحاظ فقهی گفتنی نیست که اگر قصد غایت شود با این که شروع در ذی المقدمه است، ثواب نداشته باشد.

نتیجه: راه حل سوم ادعای متینی است.

رجوع جواب حلی سوم به جواب حلی دوم

جواب حلی دوم نیز همین مطلب را می‌خواست بیان کند. جواب حلی دوم این بود که ارتباطی بین مقدمه و ذی المقدمه نیست و از طرفی طهارات ثلاث مقدمه هستند؛ پس مقدمه عبادی شدن آنها به خاطر عنوان حسنی است که منطبق بر این طهارات

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۲.

موضوع عام: واجب نفسی و غیره

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث

ثلاث به قصد ذی المقدمه می‌شوند و خود غسلات و مسحات که دارای عنوان حسن نیستند؛ پس می‌خواهد بگوید: عنوان حسن منطبق بر اتیان طهارات ثلاث به قصد توصل است، فقط راه حل سوم می‌گوید: غرض این اقتضاء را دارد و راه حل دوم می‌گوید عنوان حسن این اقتضاء را دارد. هر دو راه در این مطلب شریک هستند که باید قصد توصل به ذی المقدمه بشود.

نتیجه: اشکال مرحوم آخوند و نقض مرحوم شیخ بر جواب حلی دوم وارد نیست.